

## موسیقی بشر اولیه<sup>۱</sup>

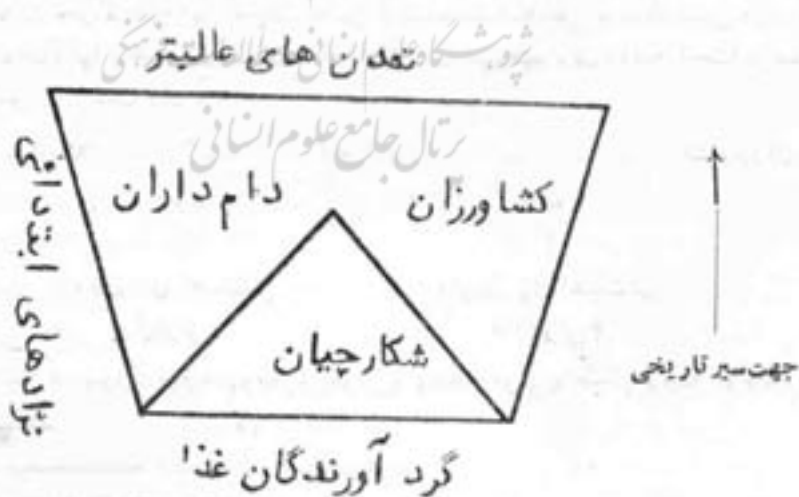


مردم‌شناسان برای آنکه نمودار نسبتاً روشنی از مردم و «کولتور»های مختلف جهان فراهم آورند مردم اولیه را بر طبق شکل مشخص اقتصادی و طریقه تمدنشان که مبتنی بر اساس همان نوع اقتصادیشان بوده است طبقه بندی کرده‌اند. مثلاً يك دست از آن مردم آنها میباشند که از راه گردآوری غذا زندگی میگذرانند. دسته‌ای دیگر شکارچی‌ها میباشند که با شکار حیوانات به حیات خود ادامه میدادند و گروهی هم از مراتع استفاده کرده و به چلگه نشینان معروفند و بالاخره کشاورزان که زراعت را پیشه خود ساخته بودند، طبقه دیگری از اجتماع آنروزی بشمار می‌آیند. از این گذشته نژادهائی هم هستند که باهیچیک از این دسته‌ها بستگی پیدا نمیکنند زیرا یا در حال تسخیر تمدن بالاتری هستند و در این صوت هم راه و رسم تازه‌را فرا گرفته و هم عادات گذشته‌را محفوظ داشته‌اند و یا اینکه تحت نفوذ تمدن‌های دیگری که بکلی با

۱- این مقاله دنباله نوشته‌ایست از «ماریوس شنايدر» دانشمند و محقق موسیقی نامدار آلمانی که در شماره ۴ گذشته به چاپ رسید. فصل حاضر به بحث «کولتور» و نژاد اختصاص دارد.

طریقه زندگی اصلیشان وفق نمیدهد قسرا گرفته اند. بهین سبب ملاحظه میشود که توتیمزم (Totemism) متعلق به گروه‌های شکارچی خیلی قدیمی میباشد درحالیکه آثار آن در تمدن‌های بعدی کشاورزان نیز دیده میشود و حتی شکل مخصوصی از آن در میان اقوام دامدار خیلی بعدی نیز مشاهده شده است.

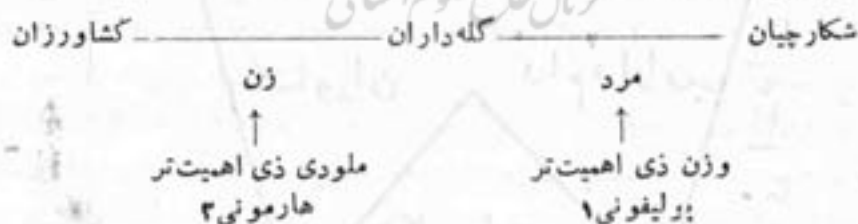
مردم اولیه‌ای که از راه گردآوری غذا زندگی میکردند غالباً از نژاد Pygmy و با کوتاه‌قدان میباشند. نژادهای شکارچی، چلکه نشین و کشاورز معمولاً از نظر سیر زمان بادوار ابتدایی، وسطی و عالی تقسیم شده‌اند. دوره ابتدایی شامل شکارچیانی میشود که معتقد به توتیمزم بوده و بسرپرستی پیر قبیله که او را پدر قوم میدانستند بسر میبردند. همچنین این دوره شامل اقوام کشاورزی میگردد که زنی را بعنوان بزرگ قوم و مادر قبیله برگزیده و پیروی میکردند و نیز مردم کله‌دار که از پدر قوم پیروی می نمودند در جزو این گروه دوره ابتدایی بشر اولیه بشمار می‌آیند. در مراحل بعدی اجتماع بدوی بکنوع تمدن شکارچی‌گری دیگری نیز یافت میشود که متعلق بآن گروه کشاورزان است که از اقامتگاه خود بیرون رانده شده و ناچار دست به شکارچی‌گری زده‌اند. مردم چلکه نشین که جزو گروه دوره وسطی میباشند دارای تمدن خاصی میباشند که بر اساس حیوانات باربر مبتنی بوده است. کشاورزان دوره وسطی در کار بیل‌زدن زمین روش مترقی تری داشته‌اند درحالیکه کشاورزان مراحل بعدی حتی از وسیله شخم‌زنی استفاده نمیکردند و مانند گروه دامدار دارای بسیاری از جنبه‌های تمدن‌های عالی‌تر دوره‌های بعدی بوده‌اند. این ترتیب تئوری مانند دوره‌های اجتماع آن زمان که مولود مکتب وین Vienna میباشد در نموداری که در زیر رسم شده و به هرم واژگون معروف است بغوی مجسم شده است:



متقابل با این طبقه بندی از نظر مردم‌شناسی میتوان يك طبقه بندی از لحاظ موسیقی نیز بحساب آورد. اگر مدارك و منابعی که تاکنون بدست آمده است در نظر بگیریم سه گروه اصلی مردم اولیه ( شکارچیان - دامداران و زارعین ) را می‌توان در تئوری بدینگونه ازهم متمایز ساخت: در میان شکارچیان بدیده‌های موسیقی مخلوط است با فریادهای بسیار و غالباً از ریتم بی‌بندوبار بیان تشکیل یافته و کمتر دارای لحن معینی میباشد. لیکن در میان کشاورزان بیشتر روش ترانه مانند رواج دارد که از لحاظ لحن منظم بوده و فورم آن نیز جلا یافته است. و در تمدن جلگه نشینان موسیقی دارای موقعیتی مابین آن دو که ذکر کردید میباشد. در مورد شکارچیان وزن موسیقی عامل مهم و قوی آن میباشد که بر اساس آن فورم معین میشود و جنبه آهنگسازی آن بسیار انفرادی و منحصر است. در صورتیکه در میان کشاورزان مجموع نتها و توازن بین وزن و ملودی دارای اهمیت بیشتری میباشد.

این ترتیب و تجزیه‌ای که برای موسیقی بشر اولیه ذکر کردید فقط يك کوشش مقدماتی است که میزان موسیقی موجود در بین آن مردم را معین میکند و نباید آنرا يك دسته بندی مطلق شمرد. زیرا در مقابل هر نظریه‌ای تئوریهای دیگری نیز وجود دارد که نه تنها در همه حال متوافق با اصول یکدیگر نمیشوند بلکه گاهی ماهیتشان چنان با هم متفاوت میشود که نمیتوان هیچگونه ارتباطی میانشان یافت. مثلاً این امری طبیعی است که آواز زن روان‌تر و صاف‌تر از آواز مرد است و بنابراین اگر در مورد يك تمدن بخصوص گفته شود که لحن و ملودی در موسیقی آن تمدن کمتر رعایت می‌شود این گفته در مورد زن‌های همان تمدن کمتر صادق میباشد. و نیز گاهی در يك تمدن معین بواسطه سیر تکامل تاریخی روش‌های جدید و قدیم و همچنین سبک‌های خارجی همه همزمان با هم متداول میباشد. همچنین سرود شکار آن دسته از کشاورزان که سابقاً خود از گروه شکارچیان بوده‌اند اصلی‌تر و متبرتر از سرود شکار کشاورزانی است که به شکار میپرداخته‌اند؛ زیرا سرود حقیقی شکار از اعتقاد و روح ایمان به شکار ریشه گرفته است در حالیکه سرود شکار تمدن‌های بعدی فقط جنبه تفریحی داشته است.

با در نظر گرفتن این حقیقت که در اجتماعات شکارچی و جلگه نشین مرد نقش مهمی در تمدن آنها داشته و در تمدن کشاورزان زن سهم مهم‌تری داشته است این نمودار زیر را میتوان ترتیب داد:



البته در نمودار فوق مفهوم «بولیفونی» و «هارمونی» طبعاً به زمینه کوچک آواز محدود میباشد.

خصوصیات نژادی را در موسیقی آسانی میتوان باشنیدن آواز يك خواننده دریافت ، اما این خصوصیات را نمیتوان در قالب کلام تشریح نمود . نژاد در موسیقی در تنبر صدا و وزن عمومی قطعات و نوع خاص ملودی نمایان میگردد . البته فریاد های ناکهانی و یا تغییر ناکهانی صدا از يك نت خیلی زیر به صدای تودماغی ارتباطی به خصوصیت نژادی ندارد زیرا این طریقه ها نوع اعلاى آواز بحساب میآمده است که در تمدن های خاصی بکار میرفته و باجدیت و استعداد خواننده روش اجرای آن فرا گرفته میشده است .

ترجمه عبدالحسین فاطمیان



شوریه شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی